

یادداشت

مسئله اجتماعی و جایگاه آن در سیاست‌گذاری اجتماعی

به بیان ساده، همان‌طور که چندین وزیر و معاون رئیس‌جمهور، متولی و محافظ سرمایه اقتصادی کشور هستند، ضرورت دارد حداقل یک مقام مهم متولی سرمایه اجتماعی باشد. همان‌طور که بیان شد، ظرفیت وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی بیش از سایر وزارتخانه‌هاست و لازم است در سطوح مختلف این وزارتخانه نوعی بازآرایی صورت گیرد تا خود را نه صرفا در جایگاه دارنده یک پایگاه داده یا متولی صندوق‌های بازنشتگی، بلکه در جایگاه حمایتگر امر اجتماعی در مقولات مختلف بازنمایی کند. متأسفانه در شرایط کنونی، وزارت مذکور بیشتر به دلیل وجود نگاه‌ها و شرکت‌های متعدد زیرمجموعه صندوق‌های بازنشتگی همچون شستا و زیرمجموعه‌های آن شهرت یافته و از همین رو به نادرست در زمره وزارتخانه‌های اقتصادی کشور قرار گرفته است. اگر زمانی وجود شرکت‌های مذکور سبب جلب توجه نمایندگان مجلس به این مجموعه و تحمیل بار مالی زیاد در طرح‌های مختلف به آنان شد، امروز این شرکت‌ها به تحدید و تضعیف امر اجتماعی در مأموریت‌های این سازمان و تقلیل آن به یک وزارت اقتصادی منجر شده‌اند. کوتاه آنکه شرایط کشور ایجاب می‌کند وزارت مذکور در جایگاه یک وزارتخانه تمام‌عیار اجتماعی بازتعریف شود تا بتواند زمینه تقویت تدریجی سرمایه اجتماعی و از آن مهم‌تر بستر مقابله با کاهش فراینده سرمایه اجتماعی برآمده از تصمیمات نادرست سیاسی و اقتصادی را فراهم آورد. این موضوع تا آنجا اهمیت دارد که شکست یا موفقیت دولت در این زمینه می‌تواند به معنای شکست یا موفقیت کامل دولت تلقی شود؛ چراکه تداوم مشارکت آستانه‌ای مردم در انتخابات و همراهی حداقلی آنها با دولت، به عملکرد دولت در این بخش بستگی خواهد داشت. امیدواریم دولت جدید به این موضوع توجهی ویژه داشته باشد و به‌ویژه آنکه تأکیدات بسیار باسابقه رئیس‌جمهور بر «عدالت» از رهگذر همین وزارتخانه ممکن خواهد بود.
سختی آخر همان است که در بند بالا بیان شد، اما دو بند آتی را به‌عنوان نکته فرعی به آن می‌افزایم. این نکته فرعی تأکید بر این است که در این متن، به صورت سنجنیده و تعمدی، از کاربست عبارت «اجتماعی-فرهنگی» پرهیز کرده‌ام چراکه پیوند این دورا با توجه به زمینه تاریخی موجود زیان‌بار می‌دانم. دلایل زیادی در این زمینه وجود دارد و می‌توان نکات متعددی را در باب تمایز درخسور توجه میان این دو ذکر کرد؛ ازجمله اینکه امر فرهنگی برخلاف امر اجتماعی، متولیان زیادی در کشور دارد یا اینکه در مورد امر اجتماعی برخلاف امر فرهنگی، اختلاف نظر بسیار محدودتر است. برای نمونه همگان درباره شاخص‌های سرمایه اجتماعی و روند افزایشی و کاهش‌ی آن تا حد زیادی اتفاق نظر دارند و اختلاف‌ها در این زمینه حداقلی است. درحالی‌که اتفاقاً عمده‌ترین مغبندی‌های سیاسی به اتکای اختلاف‌نظرها در حوزه فرهنگی ایجاد شده‌اند؛ برخی اتکا به سبک زندگی مدرن را مبنای توسعه فرهنگی می‌دانند و برخی کاملاً برعکس، تقویت ارزش‌های سنتی را، از این گذشته، در ساحت سیاست‌گذاری، هم‌چواری این دو (عبارت اجتماعی و فرهنگی)، به فروگذاشتن امر اجتماعی به امر فرهنگی منجر می‌شود. تقلیل چالش‌های اجتماعی همچون فقر و بی‌کاری به مسائل فرهنگی نظیر فرهنگ فقر، فرهنگ تبلی و… دارای شواهدی در سطح جهانی است، اما در ایران این موضوع به صورت گسترده‌تر و به معنای دیگری نیز به کار می‌رود. در ایران عموماً مسائل فرهنگی به‌ویژه با توجه به کنشگران متعدد نهادی آن، به اولویتی مهم‌تر از خود مسائل اجتماعی منجر می‌شوند، به نحوی که گاه خود به عامل تشدید جالش اجتماعی بدل می‌شوند. برای نمونه، «طرح صیانت از فضای مجازی» یک مسئله فرهنگی است که از نظر یک جریان در حاکمیت این موضوع به ارتقای جوهره فرهنگی جامعه کمک می‌کند، اما مواقنان و مخالفان آن، احتمالاً در اینکه طرح مذکور به کاهش سرمایه اجتماعی منجر شد، هم‌عقیده‌اند. بنابراین امر اجتماعی عینیت بالاتر و شفاف‌تری دارد، درحالی‌که تقلیل یا هم‌جواری آن با امر فرهنگی به ابهام، پریشانی و ناکارآمدی آن منجر می‌شود. سختی آخر آنکه در وضعیت شکننده کنونی، اولویت اصلی دولت بدون تعارفات کلامی معمول، باید بر اهمیت قائل‌شدن بر امر اجتماعی بنیان گذاشته شود، به نحوی که این دال مرکزی گفت‌وگو دولت را تعیین کند و تا آنجا پیش رود که حتی در میان اقتصاددانان نیز اقتنار از حرجیت مشاوره و تصمیم‌گیری با آثانی باشد که بر رویکرد اجتماعی‌تر اقتصادی قرابت دارند.

بی بی در نقش هیتلر

البته دولت آمریکا بارها مواضع خود مبنی بر تمایل‌نداشتن به درگیری نظامی با ایران را اعلام کرده است. درحال‌حاضر رئیس‌جمهور این کشور عملاً از مواضع خارج شده و قدرت فیزیکی و سیاسی او به‌سرعت رو به افول است و معاون رئیس‌جمهور سخت‌مشغول رقابت انتخاباتی است. اعضای شورای امنیت ملی هم سرگردان از میزان حمایت از اسرائیل و ناتوان در تدوین استراتژی برای پایان‌دادن به جنگ غرغز بوده و آنچه ناظران سیاسی مشاهده می‌کنند، کاسخ سفیدی در سردرگمی و آشفتگی کامل است. چنانچه جمهوری اسلامی و محور مقاومت دست به اقدامات تلافی‌جویانه گسترده‌ای در اسرائیل و ایالات متحده نیز به عملیات ناموفق خود ادامه دهند، درگیری تمام‌عیار منطقه‌ای شکل خواهد گرفت. معلوم نیست که نخست‌وزیر اسرائیل موفق شود ایالات متحده را در مسیر رویارویی نظامی با ایران قرار دهد ولی چنانچه سیاست آمریکا به طرف حمایت هر چه بیشتر از اسرائیل حرکت کند، ممکن است جلوگیری از درگیری نظامی از طریق برقراربودن خطوط ارتباطی غیرمستقیم بین واشنگتن و تهران دشوار شود. بسیاری در اسرائیل به دنبال تضعیف این خطوط ارتباطی از طرف کشورهای رابط هستند چون بر این باورند که سیاست‌های منطقه‌ای باین تانهاهو خواهد بود. به همین دلیل است که انتظار می‌رود جمهوری اسلامی گام در دام او نتهاده و هرگونه اقدام تلافی‌جویانه را با هوشمندی کامل طراحی و اجرا کند. نخست‌وزیر اسرائیل تاکنون به‌خوبی از تردید کاسخ سفید در اعمال فشار به اسرائیل استفاده کرده است. با توجه به استقبال پرشور اکثریت اعضای کنگره آمریکا در سخنرانی اخیر او بعید است که او توجهی به نظرات کاسخ سفید در شرایطی که ساکنان فعلی آن در روزهای آخر اقامت خود به سر می‌برند، داشته باشد. یک بار دیگر شاهد تکرار تاریخ هستیم. در دهه چهارم قرن بیستم آدولف هیتلر، رهبر نازی‌های آلمان، سو‌دای کشورگشایی در سر می‌پروراند و با اقداماتی تحریک‌آمیز، اروپا به‌ویژه بریتانیا را به رویارویی می‌خواند. با وجود خویشتن‌داری اکثر سیاست‌مداران انگلیسی، چرچیل نظر دیگری داشت. با ورود ارتش نازی به لهستان چرچیل موفق شد دولت بریتانیا را وادار کند که در سوم سپتامبر ۱۹۳۹ به آلمان نازی اعلان جنگ کند و به‌این‌ترتیب با کشیده‌شدن پای بریتانیا به رویارویی نظامی و شروع جنگ جهانی دوم تانگوی چرچیل و هیتلر آغاز شد و شد، آنچه شد. امروز تانهاهو پای خود را در جای پای هیتلر گذاشته و لقب برازنده جلا‌د قرن بیست‌ویکم را به خود اختصاص داده است. اقدامات تحریک‌آمیز او با هدف شعله‌ورکردن آتش جنگ این بار نه در اروپا، بلکه در خاورمیانه است و او ایران را بهترین موقعیت در این تانگوی منطقه‌ای می‌بیند.

اما جنگ هم به دو طرف نیاز دارد و انتظار می‌رود جمهوری اسلامی با هوشمندی تمام عکس‌العمل خود را در مواجهه با اقدامات خصمانه و تحریک‌آمیز اسرائیل به گونه‌ای تنظیم کند که اوضاع از کنترل خارج نشود. مخلص کلام اینکه جلا‌د قرن ۲۱ برای ادامه حیات خود در صحنه سیاست به دنبال فرصت است. امروز نیاز مبرم به هنر دیپلماسی در سپهر سیاسی ایران خودنمایی می‌کند.

در سال‌های بیداری عصر مشروطه و هم‌زمان با درک ضرورت تحولات بنیادین در ساخت‌های اجتماعی و سیاسی، مردم عادی به‌عنوان موجودیتی سیاسی و اجتماعی مطرح شدند و به همین شکل به روایت ادبی راه پیدا کردند. در دوره‌ای که بخش قابل توجهی از روشنفکران و لایه‌های مختلف اجتماعی در پی زیورورکردن نظم موجود بودند، روایت ادبی هم از این وضعیت متأثر شد و در فرم و محتوا دچار تغییرات عمده‌ای شد.
رمان و تاریخ همواره پیوندهای روایی درهم‌تنیده‌ای با هم داشته‌اند و از این‌رو است که برخی بر این باورند که رمان از دوران تاریخ‌نگاری و سفرنامه‌نویسی بیرون آمده است. حسن میرعبادینی در مطالعه‌ای که با عنوان «سیر تحول ادبیات داستانی و نمایشی» منتشر کرده، می‌گوید نخستین رمان‌های جدید فارسی در چارچوب سفرنامه نوشته شده‌اند. نویسندگانی همچون زین‌العابدین مراغه‌ای و عبدالرحیم طایلبوبتبری، برای به تصویر کشیدن چشم‌اندازهایی از زندگی ایرانیان، رویدادهای داستان‌های خود را در طرحی مبتنی بر سفر به هم پیوند می‌دهند. شخصیت اصلی آثار آنان روشنفکر نقادی است که در پهنه جامعه به سیر و سفر می‌پردازد و شگفت‌زده از مشاهده جنبه‌های تاریک اجتماع، افکار خود را طی گفتارهایی بیان می‌کند. می‌توان گفت در آستانه انقلاب مشروطه و همسوی با تغییر و تحولات اجتماعی، ادبیات نیز رو به دگرگونی می‌نهد و نویسنده از کنج عزلت بیرون می‌آید تا با اجتماع در حال تغییر را ببیند و توصیف کند. نویسندگانی مثل مراغه‌ای، طایبوف و ملکوم، فرم داستان سفرنامه‌ای را به رسانه‌ای برای بیان عقاید خود و انتقاد از وضعیت جامعه بدل کردند. در سفرنامه‌های تخیلی، قهرمانان داستان با تکیه بر تجارب و خاطرات اقامت خود در خارج از ایران، درست به همان‌گونه که در سفرنامه‌های حقیقی رخ می‌دهد، خود را ناچار می‌بینند که به تفصیل از وضع اجتماعی-سیاسی ایران انتقاد کنند و غالباً با سایر قهرمانان رمان در این زمینه‌ها به بحث و جدل بپردازند. نویسندگان این آثار، به این طریق کوشیدند عقاید سیاسی خود را نشر دهند.

می‌توان گونه ادبی میانه‌ای دانست که بین شیوه قدیمی سفرنامه‌نویسی و رمان مدرن قرار دارد و ویژگی‌هایی از هر دو در آن دیده می‌شود. در این سفرنامه‌ها به جای ثبت وقایع عجیب، زندگی مردم عادی روایت شده است. در سفرنامه‌های داستانی یا تخیلی، ایرانی در اروپا بزرگ شده، به وطن بازمی‌گردد و غریبه‌وار به کشور و وضعیت موجود در آن می‌نگرد. ساختار سفرنامه در این دوره مورد توجه بوده است، چراکه ساختار سفرنامه‌ای این آثار نشان‌دهنده بازشدن افق‌های دید و رشد روحیه جست‌وجوگری در نویسنده ایرانی است و همچنین تلاش متفکر ایرانی برای دستیابی به هویت ملی از طریق سفر مکاشفه‌آمیز در گوشه و کنار جامعه را بازتاب می‌دهد. نویسنده به میان مردم می‌رود و با دیدی نو و نقادانه به اوضاع اجتماعی می‌نگرد. درواقع، داستان وظیفه شناخت و گزارش‌دادن از شیوه زندگی گروه‌های مختلف جامعه را بر عهده می‌گیرد.

«سیاحت‌نامه ابراهیم‌بیگ» یا «بلای تعصب او» اثر زین‌العابدین مراغه‌ای یکی از اولین تلاش‌ها برای نوشتن رمان ایرانی است که به سیاق بسیاری از رمان‌های قرن نوزدهم میلادی در سه جلد نوشته شده و در قاهره، کلکته و لاهور منتشر شده است. این اثر را نخستین رمان اصیل اجتماعی از نوع اروپایی در زبان فارسی دانسته‌اند که زندگانی مردم ایران را همچنان که بوده تشریح کرده است.

زین‌العابدین مراغه‌ای از مردم آذربایجان و بازرگان‌زاده‌ای بود که وقتی در کار تجارت شکست خورد، به جست‌وجوی کار روانه قفقاز شد. پس از سپری‌کردن تجربه‌های مختلف در شهرهای گوناگون و فراز و نشیب‌های کاری، سرانجام ساکن ایالت می‌شود و اعتباری تجاری پیدا می‌کند و به تابعیت روسیه درمی‌آید. او در سال‌های پایانی عمرش به تابعیت ایران درمی‌آید و به ناچار روسیه را ترک می‌کند و راهی استانبول می‌شود و در آنجا اثر مشهور خود، «سیاحت‌نامه ابراهیم‌بیگ» را می‌نویسد.

جلد اول این اثر، مهم‌ترین قسمت آن به شمار می‌رود. در جلد نخست این اثر، روایتی رئالیستی از زندگی مردم ایران در واپسین سال‌های سلطنت ناصرالدین‌شاه به دست داده شده و این ویژگی در کنار نثر ساده، این کتاب را به یکی از مهم‌ترین متون واقع‌گرای دوران مشروطه تبدیل کرده است.

احمد کسروی در «تاریخ مشروطه ایران»، درباره «سیاحت‌نامه ابراهیم‌بیگ» نوشته که ارج این اثر را «کسانی می‌دانند که آن روزها خوانده‌اند و تکانی را که در خواننده پدید می‌آورد به یاد می‌دارند…» انبوه ایرانیان که در آن روز، خو به



به مناسبت سالگرد مشروطه: «سیاحت‌نامه ابراهیم‌بیگ» و مبارزه حاد طبقاتی

متن کانونی عصر طغیان



پیام حیدرقزوینی

آلودگی‌ها و بدی‌ها گرفته بودند، و جز از زندگانی بد خود به زندگانی دیگری گمان نمی‌بردند، از خواندن این کتاب، تو گفتی از خواب بیدار می‌شدند و تکان سخت می‌خوردند. بسیار کسان را توان پیدا کرد که از خواندن این کتاب بیدار شده و برای کوشیدن به نیکی کشور آماده گردیده و به کوشندگان دیگر پیوسته‌اند.»

شخصیت اصلی این داستان، ابراهیم‌بیگ، تاجر وطن‌پرستی است که سال‌ها از کشور دور بوده است. او به همراه معلم خود، یوسف عمو، به ایران بازمی‌گردد، اما آنچه می‌بیند با آنچه در ذهنش بوده دو چیز کاملاً متفاوت‌اند. او در بازگشت به ایران، ویرانه‌ای می‌بیند با مردمی فقیر و درمانده و خرافی و حکومتی مستبد. او در ابتدا امید به تغییر این وضعیت دارد و دل به برخی مسئولان خوشنام حکومت می‌بندد و می‌کوشد آنها را تشویق به انجام اصلاحات کند. او از دیدن شکاف عظیمی که میان سبک زندگی مردم ایران با دنیای پیشرفته وجود دارد، از فرط ناامیدی و ناراحتی، بیمار و رنجور می‌شود. در جلد بعدی، ابراهیم‌بیگ به مصر بازمی‌گردد و شفا می‌یابد و جلد سوم هم مربوط به خاطرات مری و هم‌سفر ابراهیم‌بیگ و شرح سفر روایی او به دوزخ و بهشت است.

محمدعلی سپانلو که متن کامل «سیاحت‌نامه ابراهیم‌بیگ» به کوشش او منتشر شده است، می‌گوید این اثر در کنار دیگر رمان‌واره‌های این دوران، آغازگر عصر نوینی در نثرنویسی فارسی‌اند. این آثار تصویر جاننداری از یک دوران حاد مبارزه طبقاتی به دست می‌دهند و وضعیت زندگی مردم عادی و مناسبات اجتماعی را روایت می‌کنند. س‌وساس ابراهیم‌بیگ در گزارش جاندار صحنه‌هایی که انتخاب می‌کند و به‌خصوص مناقشه دائمی‌اش با دیگران که باعث حلاجی مسائل می‌شود، چه به لحاظ داستانی و چه به لحاظ روش نقادی، میراث مهمی برای نویسندگان بعدی باقی می‌گذارد. در این اثر، ابراهیم‌بیگ همراه لئه‌اش یوسف عمو، به آرزوی زیارت مشهد از مصر به جانب اسکندریه به راه می‌افتد و از آنجا به استانبول می‌رود و از استانبول از راه باطوم، تغلیس، باکو، انزلی، ساری، مشهدسر، آزادآن و عشق‌آباد وارد مشهد می‌شود. او به محض اینکه وارد باطوم می‌شود، انبوهی از ایرانیان را می‌بیند که در نهایت بیچارگی و پریشانی، در فقر کامل به سر می‌برند. لباس‌ها همه کهنه و پاره و خودشان هم بیمار و رنجور. در آنجا از یک همشهری به نام علی ننگرانی می‌شنود که تمامی شهرها و قصبه‌ها، حتی دهات قفقاز، پر است از ایرانیانی که به همین شکل روزگار می‌گذرانند. آنها از ظلم حکام و داروغه و کدخدا ترک وطن کرده و در ممالک روم، روس و هندوستان پراکنده شده‌اند و هر روز از صبح تا شب فعلگی و کل‌کشی می‌کنند. درواقع، در این سیاحت‌نامه، توصیف وضعیت ناگوار و فقر مردم ایران بیش از ورود ابراهیم‌بیگ به ایران شروع می‌شود. او انبوه ایرانیانی را می‌بیند که از ایران فرار کرده‌اند و بیرون از کشورشان در فقر و فلاکت زندگی می‌کنند.

ابراهیم‌بیگ با ورود به ایران پس از دیدن مشهد، عازم تهران می‌شود. از شهرهای قزوین، اردبیل، مراغه، بناب، ارومیه دیدن می‌کند و بعد به تبریز می‌رود و از آنجا به



سیاحت‌نامه ابراهیم‌بیگ

زین‌العابدین مراغه‌ای

به کوشش محمدعلی سپانلو

نشر آنکه

عطف

جعبه ابزار ارتباط

جوادلنگریان

برای یک ارتباط صمیمی، ماندگار و تعالی‌بخش باید رابطه‌ای بدون خشونت با خود و دیگران بنا کرد. الگوی ارتباط بدون خشونت سرمشقی مبتنی بر مهارت‌های کلامی است که به همه ما کمک می‌کند رابطه‌ای همراه با صداقت و همدلی را تجربه کنیم.
بایبند با کتاب «جعبه ابزار ارتباط بدون خشونت برای تسهیلگران» الگوی ارتباط بدون خشونت را که با تلاش‌های دکتر مارشال روزنبرگ متأثر از نگرش انسان‌گرایی در روان‌شناسی پدید آمده است، تمرین کنیم. نویسندگان این کتاب مدت‌هاست برای تمرین مؤثر این روش در زندان‌ها تلاش می‌کنند. کتاب به‌ویژه برای تسهیلگرانی مفید است که با زندانیان یا کسانی کار می‌کنند که به‌تازگی از زندان آزاد شده‌اند و تلاش می‌کنند دوباره جایی برای خود در جامعه بیابند. البته که همه تمرین‌های کتاب ظوری طراحی شده‌اند که در هر جایی بتوان از آنها بهره گرفت و به‌صورت گروهی الگوی ارتباط بدون خشونت را تمرین کرد.
باید توجه داشت هدف ارتباط بدون خشونت ایجاد کیفیتی از ارتباط است که باعث می‌شود نیازهای یکدیگر را درک کنیم، و سپس به اتفاق هم هر معلوم کنیم که چطور می‌توان نیازهای هر دو طرف را برآورده کرد. منظور از واژه «تسهیلگر» هم فردی است که درک اولیه‌ای از مفاهیم و دانش ارتباط بدون خشونت دارد و می‌خواهد با دیگران به‌صورت گروهی تمرین کند. «جعبه ابزار ارتباط بدون خشونت برای تسهیلگران» در حکم پشتوانه‌ای است برای ابداع روش‌های معتداری به‌منظور آموزش و تمرین مبانی ارتباط بدون خشونت، و شامل ۱۸ فصل است که هر کدام به یکی از مفاهیم بنیادی ارتباط بدون خشونت می‌پردازند. هر فصل شامل این بخش‌هاست: تعریف کوتاهی در مورد مفهوم؛ حداقل یک تمرین ذهن‌آگاهی که قرار است ما را درگیر تمرین و کاربرد آن مفهوم کنند. و نکته‌های کوتاهی برای تسهیلگر. نیت، توجه، ارتباطی که بازدارنده رابطه است، چهار انتخاب برای دریافت پیامی دشوار، مشاهده احساس، نیاز، تقاضا، ارتباط با خود، صداقت، همدلی، رقص ارتباط بدون خشونت، زندگی همراه با قدرت انتخاب، گفتن و شنیدن «نه»، قدردانی و تجلیل، خشم، سوگواری و بخشش و حل اختلاف، عناوین فصل‌های خواندنی این کتاب‌اند.
در فرازی از کتاب درباره همدلی یا خود می‌خوانیم: «همدلی یا خود‌فریاندی است برای پذیراشدن کامل زندگی در لحظه. اغلب وقتی احساس‌های ناخوشایند را تجربه می‌کنیم، می‌خواهیم زود موقعیت ناخوشایند مربوط به آن احساس را بطرف کنیم تا به احساسی دیگر و خوشایندتر برسیم. همین میل کامل لحظه کنونی، پذیرش کامل تجربه، پذیرش کامل خود بازمی‌دارد. با مقاومت در برابر آنچه تجربه و احساس می‌کنیم، از بخشی از وجود خود می‌برویم و جدا می‌شویم. جدایی ریشه درد است. آیا می‌توانیم نزد همه تجربه‌هایمان حضور داشته باشیم بی‌آنکه بر اثر آن کاری نکنیم. وقتی ارتباط بدون خشونت را با هدف برطرف‌کردن یا فائق‌آمن بر دردها به‌جای پذیرش هر آنچه در لحظه حاضر است به کار می‌بریم، به ای خودبیگانگی بیشتر دامن می‌زنیم. وقتی همدلی با خود را عمیقاً تمرین می‌کنیم و تجربه لحظه اکنون را کاملاً در آغوش می‌گیریم، درواقع خودمان را در آغوش گرفته‌ایم و عشق و ارتباطی را به خودمان می‌بخشیم که اغلب در دیگران به دنبالش می‌گردیم.»



جعبه ابزار ارتباط بدون خشونت برای تسهیلگران

راج کپل، لوسی لو و جوودی مورین

ترجمه فرش حبیبی

نشر اختران

کتاب راهنمای تمرین‌ها

راهِ گِی، لوسی لو و جوودی مورین

ترجمه فرش حبیبی

نشر اختران

کتاب راهنمای تمرین‌ها

راهِ گِی، لوسی لو و جوودی مورین

ترجمه فرش حبیبی

نشر اختران

کتاب راهنمای تمرین‌ها

راهِ گِی، لوسی لو و جوودی مورین

ترجمه فرش حبیبی

نشر اختران

کتاب راهنمای تمرین‌ها

راهِ گِی، لوسی لو و جوودی مورین

ترجمه فرش حبیبی

نشر اختران

کتاب راهنمای تمرین‌ها

راهِ گِی، لوسی لو و جوودی مورین

ترجمه فرش حبیبی

نشر اختران

کتاب راهنمای تمرین‌ها

راهِ گِی، لوسی لو و جوودی مورین

ترجمه فرش حبیبی